

دکتر آگوست کنکل، ضرب المثل ها، جلسه اول

آگوست کنکل و تد هیلدبرانت © 2024

این دکتر آگوست کانکل در تدریس خود در مورد کتاب امثال است. این جلسه شماره یک است. حکمت را کجا می توان یافت؟ امثال به عنوان ادبیات حکمت

سلام، من آگوست کانکل هستم. من استاد عهد عتیق در کالج الهیات مک مستر در همیلتون، انتاریو هستم. مدرک کارشناسی ارشد من از مدرسه الهیات وست مینستر در فیلادلفیا است و همچنین قبلاً از مدرسه الهیات پراویدنس فارغ التحصیل شده ام.

مشتاقانه منتظرم که با هم کتاب ضرب المثل ها را بررسی کنیم. ضرب المثل ها نوعی پدیده زبانی هستند که در هر زبانی وجود دارند. من یک پسر کشاورز هستم و یکی از اولین ضرب المثل هایی که یاد گرفتم این بود که «برای شیر ریخته شده گریه نکن».

برای من این کاملاً منطقی بود، چون می دانید، من در شرایطی بزرگ شدم که مجبور بودم گاوها را بدوشم. روی یک چهارپایه می نشستید، در واقع یک چهارپایه تک پایه، انعطاف پذیرتر است، و یک سطل بین پاهایتان قرار می گرفت و شیر را داخل سطل می دوشیدید. اما گاو همیشه از هر اتفاقی که می افتاد خوشش نمی آمد، و لگد می زد.

و گاهی اوقات سطل شیر به هوا می رفت، و تلاش های شما روی زمین انبار بود، و کاری که می کردید این بود که سطل را برمی داشتید و دوباره شروع به دوشیدن می کردید. بنابراین ضرب المثل منطقی بود، برای شیر ریخته شده گریه نکن. وقتی اوضاع آنطور که فکر می کنید پیش نمی رود، فقط ادامه می دهید و دوباره تلاش می کنید.

هر فرهنگی ضرب المثل هایی دارد، و البته اینکه ضرب المثل ها چه معنایی دارند، چگونه فهمیده می شوند و چگونه استفاده می شوند، به خود فرهنگ بستگی دارد. من چند تا از آنها را از آفریقا انتخاب کردم و شما را به تفکر در مورد آنها می گذارم. فقط یک احمق عمق رودخانه را با هر دو پا می آزماید.

خب، می توانید به روش های مختلفی فکر کنید که این موضوع می تواند مناسب باشد. اما این یکی از مواردی است که در خود کتاب امثال بسیار مناسب است. دانش مانند یک باغ است.

نیست، قابل برداشت نیست. خب، اولین چیزی که قرار است در امثال یاد بگیریم این است که حکمت، که به آن دانش هم می گویند، چیزی است که باید آموخته شود. این ما را به نکته ای که می خواهیم در موردش صحبت کنیم می رساند، یعنی مفهوم حکمت.

ما کتاب امثال را در دسته ای قرار می دهیم که آن را به عنوان حکمت ترجمه می کنیم. این کلمه از کلمه عبری حُکمه «گرفته شده است، که من در اینجا خواهم نوشت زیرا بسیار بسیار رایج است. این کلمه طیف» معانی نسبتاً گسترده ای دارد.

این اصطلاح درباره یک دانش یا مهارت صحبت می کند. گاهی اوقات این دانش فنی است، مانند توانایی استخراج اطلاعات از زمین. اما گاهی اوقات یک مهارت زندگی است، دانستن اینکه چگونه زندگی کنیم.

و البته، اینجاست که کتاب امثال وارد عمل می‌شود. حکمت در زبان ما به تصمیم‌گیری مربوط می‌شود. آیا قرار است کار درست را انجام دهیم؟ این مفهوم برای آنچه ما از کلمه «حکمت» مراد می‌کنیم، بسیار محدود است.

کلمه حکمه در تمام متون حکمت، مضمون مشترکی دارد: ترس از خداوند آغاز حکمت است. بنابراین حکمت با یک نگرش آغاز می‌شود. حکمت با یک منش آغاز می‌شود.

یادگیری آن منش و سپس رفتاری که باید از آن سرچشمه بگیرد، در قلب حکمت قرار دارد. سه کتاب در کتاب مقدس وجود دارد که ما از آنها به عنوان حکمت یاد می‌کنیم. یکی از آنها امثال، یکی از آنها جامعه و یکی از آنها ایوب است.

و فقط به عنوان یک مقدمه کوتاه، می‌توانم آنها را اینگونه از هم متمایز کنم. امثال به چگونگی برخورد ما با زندگی روزمره و تمام سوالات آن می‌پردازد. جامعه بیشتر به این سوال می‌پردازد که چرا

زندگی واقعاً درباره چیست؟ چه چیزی در زندگی می‌تواند به ما معنا و مفهوم بدهد، چه چیزی مهم است؟ و کتاب ایوب در واقع درباره چیست؟ ما واقعاً چه می‌دانیم؟ ما درباره خودمان و جهان چه می‌دانیم؟ حال، اکثر خوانندگان ایوب فکر می‌کنند که این کتاب در واقع درباره رنج است. خب، رنج سوالی است که برای پرداختن به سوال بزرگتری استفاده می‌شود، سوالی که زیربنای بیشتر اشعار و بحث‌های ایوب است. و سوال بزرگتر این است که، خب، ما واقعاً درباره رنج چه می‌دانیم؟ و چگونه باید به رنج واکنش نشان دهیم؟ این سوال عمیق‌تری است که در ایوب پاسخ داده می‌شود، یا حداقل در ایوب به آن پرداخته می‌شود.

اما دغدغه ما امثال و دانستن حکمت است، زیرا برای درک نحوه زندگی ما مفید است. و بنابراین، کل کتاب امثال با چندین جمله هدف‌دار آغاز می‌شود، در واقع چهار یا پنج جمله از آنها به طور دقیق، برای دانستن حکمت و انضباط، برای درک کلمات دانش، برای به دست آوردن انضباط بصیرت، عدالت، عدالت و انصاف، و برای دادن حيله‌گری ساده‌لوح به جوانان برای دادن بصیرت آگاهانه. بنابراین، این به عنوان هدفی که قرار است این کتاب برای شما انجام دهد، تعیین شده است.

بنابراین، حکمت وسیله‌ای برای شناخت اراده خداست. اراده خدا چیست؟ نه تنها در معنای وسیع‌تر تصمیماتی که می‌گیرم، از جمله حرفه‌ام و تصمیمات بزرگ زندگی، بلکه حتی در مورد تصمیمات کوچک‌تر در مورد نحوه برخورد ما با تمام رویدادهای عادی زندگی، مانند نحوه برخورد من با موقعیتم در محل کار یا نحوه برخورد من با موقعیتم در خانه. در کتاب مقدس، سه راه برای شناخت خدا وجود دارد.

آنها از طریق سه بخش خود وحی، که در زبان عبری تورات، نویم و کتویم نامیده می‌شوند، داده می‌شوند. تورات به معنای دستورالعمل است. معمولاً به پنج کتاب اول کتاب مقدس اشاره دارد و دستورالعملی است که موسی در مورد خدا، جهان او، رابطه او با قومش و حقیقت اساسی که باید بدانیم، ارائه داد.

پیامبران این آموزه را گرفتند و آن را در موقعیت‌های زندگی خود به کار بردند. بنابراین، سؤال آنها همیشه این بود که چگونه و کجا مردم از پیمانی که موسی با تمام ارزش‌ها و شرایط آن و به طرقی که آنها انجام نمی‌دادند، اطاعت می‌کردند. بنابراین، این دو راه اساسی برای شناخت کتاب مقدس هستند.

و البته هر دوی اینها ممکن است از ضرب المثل استفاده کنند. بنابراین، برای مثال، می‌توانید در نوشته‌های پیامبران ضرب المثلی پیدا کنید، پدران انگور ترش خورده‌اند و دندان‌های فرزندان کند شده است. این ضرب المثلی است که در زمان تبعید استفاده می‌شده است.

شکایت آنها این است که ما به خاطر گناهان پدرانمان رنج می‌بریم، و بنابراین ناعادلانه و غیرمنصفانه است که ما باید در تبعید باشیم. علاوه بر تعالیم، تورات و انبیا، که همان موعظه‌هایی است که برای مردمی که در تبعید بودند، انجام شد، حکمت وسیله سوم وحی است. بنابراین، در ارمیا ۱۸:۱۸، سه منبع اقتدار وجود دارد که قرار است علیه ارمیا استفاده شود.

شریعت از کاهن، نصیحت از حکیم و کلام از نبی می‌آید. بنابراین، اینها سه حوزه، سه وسیله، وسیله ادبی هستند که کلام خدا از طریق آنها به ما انسان‌ها می‌رسد. حزقیال در حزقیال ۷:۲۶ دقیقاً همین را می‌گوید.

او می‌گوید که آنها از انبیا رؤیا خواهند خواست، از کاهنان شریعت خواهند خواست، اما آن شریعت نابود خواهد شد و هیچ مشورتی از بزرگان نخواهد بود. بنابراین، اینها راه‌های معمول برای یافتن وحی از جانب خدا بودند. البته، امثال البته همه ضرب‌المثل نیستند.

بنابراین، ما قصد داریم کمی در مورد روش‌های طبقه‌بندی خرد صحبت کنیم. کلمات بی‌شماری وجود دارند همانطور که در ضرب‌المثل‌ها با آنها مواجه خواهیم شد، که برای بیان محتوای خرد، برای بیان جوهره آن استفاده می‌شوند. اما در ضرب‌المثل‌ها، ما به نوعی دو بخش داریم.

نه فصل اول، ما را برای صدها مجموعه ضرب‌المثل که در فصل‌های ۱۰ تا ۳۱ آمده‌اند، آماده می‌کند. بنابراین، ما واقعاً از آن نه فصل اول به عنوان حکمت تعلیمی یاد می‌کنیم. این دستورالعملی برای چگونگی داشتن یک زندگی درست، یک زندگی با فضیلت است.

متونی برای آماده‌سازی جهت درک آرمان‌های ایمان و فرهنگ. همه آنها به عنوان آموزش ساخته شده‌اند، و در این مورد، آموزش پدر به فرزند. احتمالاً این روشی است که بیشتر آموزش‌ها در اسرائیل باستان انجام می‌شد، زیرا ابزارهای ادبی خواندن به راحتی در فرهنگ باستان در دسترس کسی نبود، به جز آنهایی که عموماً با پادشاه و دربار او و نهادهای مرتبط با آن مرتبط بودند.

اما این آموزه‌ها نوشته شدند، و این آموزه‌ها در ذهن جای گرفتند تا بتوان آنها را به خاطر سپرد و آموزش داد، و برخی از آنها نه تنها در اسرائیل، بلکه در خارج از اسرائیل نیز حفظ شدند. و در کتاب امثال، با مجموعه‌ای کامل از ضرب‌المثل‌ها روبرو خواهیم شد که شباهت ادبی آشکاری با یک نوشته مصری به نام آموزه‌های آمنموپ دارند. این یکی از آن نوع حکمت‌های آموزشی خواهد بود.

اما یک حکمت انتقادی نیز وجود دارد که به این پرسش‌های بزرگ زندگی می‌پردازد. همانطور که اشاره کردیم پرسش‌هایی در مورد اینکه چه چیزی در زندگی ارزشمند است، چه چیزی اهمیت دارد، چه چیزی معنا دارد، و پرسش‌هایی در مورد اینکه ما واقعاً چه چیزی می‌توانیم در مورد زندگی بدانیم، گاهی اوقات به ایوب و جامعه به عنوان حکمت انتقادی اشاره می‌شود. انواع بی‌شماری از ضرب‌المثل‌ها وجود دارد.

در زبان انگلیسی، ضرب‌المثل چیزی نسبتاً خاص است. اما در زبان عبری، چیزی به نام «مشعل» داریم که می‌تواند اشکال بی‌شماری از یک استعاره‌ی گسترده، نوعی تمثیل و گاهی یک شعر به خود بگیرد. انواع چیزها مشعل «نامیده می‌شوند. و ما در جاهای مختلف با آنها روبرو می‌شویم».

من اینجا چند مثال آورده‌ام. عیسی در کنیسه ناصره می‌گوید، ای طبیب، خودت را شفا بده. یعنی، خب، اینجا هم مثل کفرناحوم معجزه کن.

یا هیچ پیامبری در کشور خودش پذیرفته نمی‌شود. با اشاره به داستان‌هایی مانند داستان الیشع که شخصی دلسوز را درست در قلب قلمرو ایزابل در میان فنیقی‌ها یافت. یا نعمان که آشوری بود و برای جستجوی شفایی که می‌توانست از طریق خدا بیاید، آمد و یهوه را پذیرفت در حالی که بنی‌اسرائیل این کار را نکردند.

بنابراین، برخی از مثال‌های ما که می‌توانیم آنها را مشعل بنامیم، پادشاهی آسمان مانند دانه خردل است، یا چیزی شبیه به تمثیل پسر گمشده یا پسر ولگرد، همانطور که اغلب به او اشاره می‌شود. همه این موارد تحت این دسته‌بندی قرار می‌گیرند. با این حال، معمولاً ضرب‌المثل‌ها کوتاه و به یاد ماندنی هستند.

و من مطمئنم که در زبان انگلیسی، همه ما با برخی از این موارد آشنا هستیم. اگر چیزی خراب نیست، آن را تعمیر نکن. فرزند، پدر آن مرد است.

یک کوک به موقع، نه تا را نجات می‌دهد. من همیشه این را دوست دارم چون خیلی وقت‌ها پیش می‌آید که یک نخ کوچک شل شده و من وقت ندارم و آن را قیچی می‌کنم. و خیلی زود، برای درست کردنش به نه نخ دیگر نیاز دارید.

این جمله خوبی است. اما معمولاً کلمات قصار با طنین و ابهام مشخص می‌شوند. و این یکی را من خیلی دوست دارم.

این یکی از کتاب جامعه است. فصل هفتم، آیه اول. و من آن را به زبان عبری، همانطور که اینجا ترجمه کرده‌ام، به شما می‌دهم.

و نحوه‌ی طنین‌انداز شدن آنها را ببینید. حالا، این به چه yivaldo و yom، tov، tov، خب، می‌توانید معناست؟ خب، می‌توانیم آن را به این صورت ترجمه کنیم،
نام نیک از نفت بهتر است،
و روز مرگ بهتر از روز تولد است.

و این به چه معناست؟ ضرب‌المثل‌ها هرگز به سادگی بدیهی نیستند.

آنها همیشه در کاربردشان در یک موقعیت خاص صادق هستند. و در این مورد، در فصل هفتم، آیه اول واضح است که آنچه واعظ در مورد آن صحبت می‌کند این سوال است که چه چیزی ارزشمند است؟ چرا باید زندگی کرد؟ و نکته او در اینجا این است که تنها چیزی که همه ما در زندگی از خود به جا می‌گذاریم میراثی است. و آن میراث، شهرت ماست.

مردم ما را چگونه می‌شناختند و به عنوان یک شخص درک می‌کردند؟ و بنابراین، وقتی کودکی به دنیا می‌آید همه شما هیجان‌زده می‌شوید، زیرا این یک چیز فوق‌العاده است، و وقتی یک فرد خوب و یک دوست را از دست می‌دهیم، غمگین می‌شویم. اما واعظ می‌خواهد از دیدگاه دیگری به آن نگاه کند. وقتی کودکی به دنیا می‌آید، شما انواع امیدها و آرزوها را برای آن کودک دارید.

و وقتی می‌میرند، شهرتی از خود به جا می‌گذارند که مورد احترام همه است، البته آن میراث کامل می‌شود. دیگر نمی‌توان آن را از بین برد. یک شهرت خوب می‌تواند در یک لحظه از بین برود.

اما وقتی کسی زندگی‌اش را به پایان رساند، آن شهرت تثبیت می‌شود. و بنابراین، باید نوعی هدف باشد که به سمت آن نگاه می‌کنید. و البته، واعظ مجموعه‌ای از ضرب‌المثل‌های دیگر است که این نکته را نشان می‌دهند.

بنابراین، ما از آنها استفاده می‌کنیم چون به یاد ماندنی هستند. ما از آنها استفاده می‌کنیم چون دیدگاهی را بیان می‌کنند که درست است. حالا فقط در یک شرایط خاص درست است.

فاصله باعث میشه قلب آدم عاشق‌تر بشه. از دیده پنهان، از دل پنهان. و تو میگی، خب، چطور ممکنه؟ خب، هر دو درسته.

فقط بستگی به این دارد که در مورد چه شرایطی صحبت می‌کنید. و آنها مشاهدات مربوط به نظم را بیان می‌کنند. و ما نظم را در طبیعت، در میان گیاهان، در میان حیوانات مشاهده می‌کنیم.

اما در روابط اجتماعی نیز نظم وجود دارد. نظمی که در واقع نمی‌توان آن را تغییر داد. بنابراین، این روزها صحبت‌های زیادی در مورد چگونگی تغییر کامل نظم خانواده وجود دارد و دیگر نباید به خانواده هسته‌ای فکر کنیم.

اما واقعیت این است که این کار جواب نخواهد داد. چون یک نظم وجود دارد که نقض‌ناپذیر است. این فقط جوهره‌ی وجودی ما به عنوان انسان و انسان است.

احمق‌ها جایی می‌پرند که فرشته‌ها از پا گذاشتن در آن می‌ترسند. فرصت فقط یک بار در می‌زند. نمونه‌های دیگری از ضرب‌المثل‌هایی که به خاطر می‌آوریم و به یاد ماندنی هستند، اما در واقع چیزهای متضادی می‌گویند.

بنابراین، کاری که ما می‌خواهیم انجام دهیم این است که به کتاب امثال نگاهی بیندازیم. و در پایان این سخنرانی کوتاه، خلاصه‌ای از امثال را ارائه دهیم. هدف امثال، سپس آموزش حکمت، که بیشتر نه فصل اول را تشکیل می‌دهد.

جایی که بانوی خرد در فصل اول از برج‌ها فرا می‌خواند. و جایی که او ضیافت بزرگ را آماده می‌کند، ضیافتی برای همه تا در فصل نهم در آن شرکت کنند. سپس مجموعه ضرب‌المثل‌ها را داریم.

به نوعی، آنها متعلق به سلیمان هستند، اما مجموعه‌های واضح و متمایزی هستند. بنابراین، ما قصد داریم به مجموعه‌های ۱۰.۱ تا ۲۲.۱۶، که دقیقاً ۳۷۵ امثال است، نگاهی بیندازیم. در مورد اینکه چرا این درست است صحبت خواهیم کرد.

مجموعه‌های خردمندان، مجموعه‌های بیشتری از خردمندان وجود دارد. مجموعه‌های مربوط به زمان حزقیا. بنابراین واضح است که برخی از این مجموعه‌ها مربوط به دربار پادشاه بوده است.

البته حزقیا ۲۵۰ سال پس از سلیمان است. و کتاب امثال در آن زمان هنوز در حال تألیف بود. و بعد یک ضمیمه هم دارد.

سخنان اخیر، ضرب‌المثل‌ها، ضرب‌المثل‌های عددی، مادر پادشاه لموئیل، و در نهایت، حکمت قدرت. بنابراین، این یک نگاه اجمالی اولیه به کتاب امثال است که قرار است در سخنرانی‌های بعدی خود به آن بپردازیم.

این دکتر آگوست کانکل در تدریس خود در مورد کتاب امثال است. این جلسه شماره یک است. حکمت را کجا می‌توان یافت؟ امثال به عنوان ادبیات حکمت.